

درس دوم : پایه‌های آوایی

کلام منظوم یا شعر، آهنگین و دارای موسیقی است، پایه‌ها و پاره‌های آوایی موزون دارد؛ هماهنگی این پایه‌ها در شعر، به گونه‌ای است که انسان، با شنیدن یا خواندن آنها احساس لذت می‌کند. به هنگام روپارویی با شعر باید بکوشیم خود را در فضای آهنگین آن قرار دهیم.

منظور از پایه‌های آوایی، همان ارکان عروضی است. مانند: مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعلن، فعولن، فاعلن، فعلاتن، مفتعلن، مفاعلن، مفعولن، فعلمن، فاعلات، مفاعیل، مستفعل، فعلات، مفعول، فعل، فع لن، فع و... (در درس پنجم با این وزن واژه‌ها آشنا خواهید شد) **هدف این درس، آموزش تقطیع به ارکان است؛** اما نه به شیوه نوشتاری، بلکه به شیوه شنیداری. برای آموزش شنیداری پایه های آوایی (ارکان عروضی)، لازم است:

۱- تقطیع هجایی و انواع هجا را بدانیم.

۲- پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) را بیاموزیم..

۳- برای هریک از پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) نمونه‌هایی هم‌وزن، تمرین و تکرار کنیم.

پس از تمرین و تکرار نمونه‌ها و تطبیق دادن شنیداری و نوشتاری آن‌ها با پایه‌های عروضی، بر یافتن وزن تسلط خواهیم یافت.

اکنون می‌خواهیم مصراع‌ها را متناسب با پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) به صورت شنیداری، تقطیع کنیم و برای این کار لازم است:

۱- هر مصراع را درست بخوانیم.

۲- با توجه به آهنگ هر مصراع و درنگ‌های آن، مصراع را به صورت زبانی براساس یکی از پایه‌های آوایی (ارکان عروضی)، تقطیع نماییم.

- به بیت‌های زیر توجه کنید و به آهنگی که از خوانش آن احساس می‌شود، دقت کنید:

ای ساریان آهسته ران، کارام جانم می‌رود وان دل که با خود داشتیم با دلستانم می‌رود

من مانده‌ام مهچور از او، بیچاره و رنجور از او گویی که نیشی دور از او، در استخوانم می‌رود

محمل بدار ای ساروان، تندی مکن با کاروان کز عشق آن سر روان، گویی روانم می‌رود «سعدی»

ای سا ر بان	آ هس تِ ران	کا را مِ جا	نَم می رَ وَد
وان دل کِ با	خُد دا شِ تَم	با دل سِ تا	نَم می رَ وَد

من مان دِ اَم	مه جو رَ زو	بی چا رِ وُ	رَن چو رَ زو
گو یی کِ نی	شی دو رَ زو	در اس تِ خا	نَم می رَ وَد

مِج مِل بِ دَا	رِی سَا رِ وَا	نَن دِی مَ گُن	بَا کَا رِ وَا
کَز عِش قِ اَن	سِر وِ رَ وَا	گُو یِی رَ وَا	نَم می رَ وُد

می بینیم که مصراع‌ها همان‌گونه که خوانده می‌شوند، به پایه‌های آوایی، تقسیم می‌شوند؛ بنابراین باید بتوانیم بیت را درست و شیوا بخوانیم.

اکنون به نمونه‌های دیگر و چگونگی شکل‌گیری پایه‌های آوایی و نظم آن‌ها توجه کنید.

۱- هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت برنیارد «سعدی»

هَر کِ چی زی	دو ست دَا رَد	جَا نُ دَل بَر	وِی گُ مَا رَد
هَر کِ مِج رَا	بِش تُّ بَا شِی	سِر زِ خَل وِت	بَر نَ یَا رَد

۲- ز کوی یار می‌آید نسیم باد نروزی از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی «حافظ»

ز کُو یِ یَا	رِ مِی آ یِد	نَ سِی مِ بَا	دِ نُو رُو زی
آ زین بَا دَر	مَ دَد خَا هِی	چِ رَا غِ دَل	بَ رَف رُو زی

۴- خدایا تو دانی که بر ما چه آمد خدایا تو دانی که ما را چه می‌شد «مولوی»

خُ دَا یَا	تُّ دَا نِی	کِ بَر مَا	چِ آ مَد
خُ دَا یَا	تُّ دَا نِی	کِ مَا رَا	چِ مِی شَد

۵- یار مرا غار مرا عشق جگرخوار مرا یار تویی غار تویی خواجه نگه‌دار مرا

یَا رَ مَ رَا	غَا رَ مَ رَا	عِش قِ چِ گَر	خَا رَ مَ رَا
یَا رَ تُّ یِی	غَا رَ تُّ یِی	خَا چِ نِ گَه	دَا رَ مَ رَا

خودارزیابی:

۱- با خوانش درست ابیات، مرز پایه‌های آوایی یا ارکان آن را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید

الف) ای خوش منادی‌های تو در باغ شادی‌های تو بر جای نان شادی خورد جانی که شد مهمان تو «مولوی»

ای خُش مُ نا	دی ها یِ تْ	دَر با غِ شا	دی ها یِ تْ
بر جا یِ نان	شا دی خُ رَد	جا نی کِ شد	مه ما نِ تْ

ب) دلم را داغ عشقی بر جبین نه زبانم را بیانی آتشین ده «وحشی بافقی»

دِ لَمِ را دا	غِ عَش قی بر	جَ بین نه	
زَ با نَمِ را	بَ یا نی آ	تَ شین ده	

پ) اسیرش نخواهد رهایی ز بند شکارش نجوید خلاص از کمند «سعدی»

آ سی رش	نَ خا هَد	رَ ها یی	زِ بند
شِ کا رش	نَ جو یَد	خَ لا سَز	کَ مند

ت) عنکبوتی را به حکمت دام داد صدر عالم را درو آرام داد «عطار»

عَن کَ بو تی	را ب حک مَت	دا م داد	
صد رِ عا لم	را دَ رو آ	را م داد	

ث) بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم «حافظ»

بِ یا تا گُل	بَ رَفِ شا نی	مُ می دَر سا	غَ رَن دا زیم
فَ لکِ را سَق	فُ پِشِ کا فی	مُ طر حی نو	دَ رَن دا زیم

۲- با خوانش درست بیت‌ها رکن‌های آن را مشخص کنید، سپس خانه‌هایی به تعداد آن طراحی نموده، هر رکن را در خانه خود جای دهید

الف) یا رب از عرفان مرا پیمانه‌ای سرشار ده چشم بینا، جان آگاه و دل بیدار ده «صائب»

یا رَ بَزِ عِر	فان مَ را پی	ما نِ ای سر	شا ر ده
چش مِ بی نا	جانِ آ گا	هَ د ل بی	دا رِ ده

ب) مکن پیش دیوار غیبت بسی بود کز پیشش گوش دارد کسی «سعدی»

مَ کن پی	شِ دی وا	رِ غی بت	بَ سی
بُ وِد کز	پَ سش گو	ش دا رد	کَ سی

پ) باران اشکم می دود وز ابرم آتش می جهد با پختگان گو این سخن، سوزش نباشد خام را «سعدی»

با را نِ اش	کم می دَ ود	وز اَب رَ ما	تَش می جَ هد
با پِخ تِ گان	گو این سُ خن	سو زش نَ با	شد خا مُ را

ت) هر کسی را سیرتی بنهادم هر کسی را اصطلاحی داده ام «مولوی»

هر کَ سی را	سی رَ تر بن	ها دِ اَم
هر کَ سی را	اص طِ لا حی	دا دِ اَم

ث) مرا گه گه به دردی یاد می کن که دردت مرهم جان می نماید «فخرالدین عراقی»

مَ را گه گه	بِ در دی یا	د می کُن
کِ دَر دَت مَر	ة مِ جان می	نَ ما یَد

۳- با توجه به آهنگ بیت‌های داده شده، با ذوق خود، پایه‌های آوایی مناسب (غیر از واژه‌های بیت) را تولید کنید:
و آن را در خانه‌های خالی بنویسید

الف) من که دارم در گدایی گنج سلطانی به دست کی طمع در گردش گیتی دون پرور کنم «حافظ»

من کِ دا رَم	در گِ دا یی	فخ رِ شا ها	نی بِ دست
کی طَ مَع دَر	ما لِ دُن یا	یا کِ زا ری	ها کُ نم

ب) من امشب آمدستم وام بگزارم حسابت را کنار جام بگذارم «خوان ثالث»

م نِ م شب آ	ه دا رم در	دِ لَم جا نا
لَ بی شی رین	کِ نا رِ جا	م بُگ دا رم

۴- پیامدهای حمله مغولان را بر زبان فارسی در قرن هفتم بررسی کنید.

پاسخ: ۱- بسیاری از دانشمندان و ادیبان کشته و یا متواری شدند به همین دلیل زبان و ادبیات فارسی مانند بسیاری از دانش-های دیگر دچار سستی و نابسامانی شد. ۲- با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت. ۳- عرفان رواج یافت. ۴- انحطاط عقلی و فکری به خاطر نابودی کتابخانه‌ها و مراکز علمی.

درس سوم: تشبیه

شاعران و نویسندگان بیشتر به زیبایی‌های زبان توجه می‌کنند و معانی ذهنی خود را با آرایش‌های لفظی و معنوی بیان می‌کنند و کلام ساده و عادی را به سخن ادبی و هنری تبدیل می‌کنند. مثلاً به جای « طلوع خورشید» از عبارت « گل خورشید شکفت» و به جای باریدن باران، از « مروارید باران از چشم ابر چکید.» استفاده می‌کنند.

از نظر ادبی، روش‌های گوناگونی برای آفرینش کلام زیبا و هنری وجود دارد که مهمترین آنها چهار آرایه تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه هستند. این چهار آرایه در حوزه علم بیان بررسی می‌شوند.

اکنون به این جمله از سعدی توجه کنید: دانا چو طبله عطار است، خاموش و هنرنمای. « گلستان سعدی »

سعدی؛ انسان دانا را به طبله عطار تشبیه کرده است و با بیان ویژگی مشترک آنها یعنی خاموشی و هنرنمایی، این شباهت‌ها را برای مخاطب زیباتر و محسوس‌تر کرده است. ادعای همانندی میان دو چیز را آرایه « تشبیه » می‌نامند. تشبیه موجب خیال‌انگیزی سخن می‌شود. در بیت:

صد هزاران دام و دانه است ای خدا ما چو مرغانی حریص بی‌نوا « مولوی »

مولوی، انسان‌ها را به مرغ‌هایی تشبیه کرده است و « حریصی » و « بی‌نوایی » را ویژگی مشترک آن‌ها قرار داده است. هر تشبیه ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده دارد و آنچه موجب زیبایی تشبیه می‌شود وجه شباهتی است که شاعر یا نویسنده به آن دست یافته است.

هر تشبیه چهار رکن یا پایه دارد:

۱- **مشبه:** پدیده‌ای است که آن را به پدیده دیگر مانند می‌کنیم. ۲- **مشبه‌به:** پدیده‌ای است که مشبه را به آن مانند می‌کنیم ۳- **وجه شبه:** ویژگی یا صفت مشترک بین مشبه و مشبه‌به است که در واقع علت به وجود آمدن تشبیه است. این ویژگی در مشبه‌به آشکارتر و پررنگ‌تر است. ۴- **ادات تشبیه،** واژه‌هایی مانند « مثل، مانند، همچون، چون، چو، گویی، به سان، به کردار و ... است که رابطه تشبیه را بین مشبه و مشبه‌به برقرار می‌کند.

ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد.

ایام گل به عمر تشبیه شده است. پس « ایام گل » مشبه و « عمر، مشبه‌به » است. « شتاب کردن » ویژگی مشترک مشبه و مشبه‌به است که وجه شبه نام دارد. « چو » واژه‌ای است که بین مشبه و مشبه‌به رابطه تشبیه برقرار کرده است و ادات تشبیه نامیده می‌شود.

برای فهم بیشتر تشبیه و ارکان آن، به مثال‌های زیر توجه کنید:

۱- **بلم آرام چون قویی سبکبار** به نرمی برسر کارون همی رفت « فریدون توللی »

بلم: مشبه / قویی سبکبار: مشبه‌به / چون: ادات تشبیه / به نرمی رفتن: وجه شبه